

بنام حضرت حیات بخش

نیایشی از : محراب همتی (پرواز)

تنها گزینۀ رومیز افکار منی

www.ketab.ir



انتشارات رازنهان

۱۴۰۰

سرشناسه	: همتی، محراب، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: تنها گزینه، رومیز افکار منی / نیایشی از محراب همتی (پرواز).
مشخصات نشر	: تهران : رازنهان ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۸۶ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۷۸-۳۵۸-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر سپید - قرن ۱۴
موضوع	: Blank verse - ۲۰ th century
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry - ۲۰ th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۶۴
رده بندی دیویی	: ۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۳۶۳۶۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی :	فیبا

تألیف : میدان انقلاب، اول جمال راده جنوبی، کوچه دانشور، پلاک

شماره تماس : ۰۲۱۶۶۹۰۱۸۴۱ - ۰۹۱۲۲۲۲۰۳۶۹

آدرس الکترونیکی : raznahanbook@gmail.com

آدرس سایت : www.raznahanbook.com



عنوان کتاب	تنها گزینه، رومیز افکار منی
مؤلف	محراب همتی
صفحه آرا	محراب همتی
طراح جلد	محراب همتی
ناشر	التشارات رازنهان
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	اول ۱۴۰۰
قیمت	۴۰۰۰ تومان

ISBN: 978-622-278-358-7



9 786222 783587

فهرست

۱۰	مقدمه
۱۸	تقدیم
۱۹	خاک و خاکساران، همه صلح
۲۰	انحلال
۲۱	کانومیم، معصوم ترین عشق!
۲۲	عاشقی لبریز، سترمی رود
۲۳	«خدا هم، سیب دوس داله!»
۲۴	باختن آموختن
۲۵	بلندای رحمت
۲۵	شعرش در راحت نیست
۲۶	گل جان
۲۷	ناگفته هایی از دل بی پایان
۲۹	حس آشوب شدن
۲۹	تحفه ی غربی
۳۰	گردانه ی رنجستان
۳۰	تنگ اندیشه گان
۳۱	می چکد جانم
۳۱	آزمون دشوار
۳۲	سودای ویرانی
۳۲	نابیداران
۳۳	جهانی ... ست سلطه
۳۳	سلطه ی سیاهی
۳۴	در عصری غریب
۳۴	سرباخته ی میهن ام
۳۴	همه ی حاصل بودن مال تو

۳۵	نسیم بیداری
۳۵	اجابت
۳۵	باران باور
۳۶	حلقه ی زنجیره
۳۷	آیینی دشوار
۳۷	یک فلات خون
۳۸	شعور، شاعراست
۳۸	فلسفه ای متراکم
۳۹	بنیانگذار عاشقی
۳۹	زندانی انتظار
۴۰	متراکم ترین اسرار
۴۰	رگ به رگ تمنا
۴۱	پرواز پر باران
۴۱	حیات بی مرگ
۴۱	تنها گزینه ی افکارم
۴۲	حضرت یگانه
۴۲	بار دانش شعر
۴۳	اصل وصل
۴۳	اصالت خیابان
۴۳	خیس خلوص تمنا
۴۴	دست های بی تقصیر
۴۵	بنیاد بنیان
۴۶	شادبخت آزاد
۴۶	جهان بی کینه و درد
۴۷	آوار مرگ
۴۷	امروزیان
۴۸	دست های روشن خداوند

۴۸	شعرشدهی استاد!
۴۹	میهن بیداران
۴۹	فرزند گُشانه
۵۰	بی قرارگاه
۵۰	محصول درد
۵۱	بیدار هشیاری
۵۱	همسفر هجرت
۵۲	تکرار حیرانی
۵۳	ادامه ی ادامه ها
۵۳	جهانبخشان بی ادعا
۵۴	گواهان روشن
۵۴	اهریمن در اهریمن
۵۵	دوباره سوختن
۵۵	خویشتن هشیار
۵۵	رسیدن به مبدأ
۵۶	عارف درد آشام
۵۷	انبوه حماسه اند
۵۷	خسی بی سامان
۵۸	ترگل بانو
۵۸	خوف خفن
۵۹	ناهشیاری گمراهی
۵۹	غریقستان
۶۰	ناهوش یاری خود
۶۰	فاطمای جان
۶۱	شیطنت ات را هم می بیار
۶۱	تشیع انتقال
۶۲	حکمت تکرار

مقدمه

شعر برای بسیاری از آدم ها ، کلامی است آهنگین و منظم و ریتمیک که محتوا و مفاهیمی نیز همراه خود دارد و برای عده ای دیگر هم کلامی است خوش آهنگ و جذاب و دلنشین و مفرح ، که گاهی عاشقانه است، گاه فلسفی و عارفانه ، گاه سیاسی و اجتماعی و اعتراضی ، گاه نویدبخش و حاوی بند و اندرز و حکمت و گاه آموزنده و ظریف و موجز و تمثیلی و غیره ... و برای عده ای دیگر هم بقول خودشان که می گویند : "شعر برای هیچ کس نان و آب نمی شود" می باشد ، و در حقیقت در برابر این دیدگاه تکلیف روشن است و جای هیچگونه بحثی وجود ندارد و جدل در این باره خردمندانه و منطقی نخواهد بود؛ و اما برای انگشت شماری نیز ، "شعر" خود زندگی است؛" خیلی ها نیز با وهم و برداشت قسم نخست و بدون تحقیق و دقیق شدن در ماهیت و فلسفه های پیچیده ، مختصات دنیای شعر و نیز بدون آگاهی کامل و مطمئن از شاخصه های ویژه شعر تلاش می کنند کلماتی را کنارهم بچینند و آن را آهنگین و ریتمیک ادا کنند و به زعم و برداشت خودشان معتقدند که شعر گفته اند و شاید تک تک ما در طول عمرمان دستکم چندبار این دسته از افراد را دیده ایم ، و به باور ایشان شعر همین است که ایشان هم گفته اند و بقول برخی از ایشان که می گویند : حالا چه فرقی می کند با شعر یک شاعر کاملی که اشعاری هم سروده است ؛ در پاسخ باید متذکر شد که بطور مسلم اشعاری که یک شاعر اصیل و قوی و کامل سروده ، اشعاری است عمیق و دقیق از دیدگاه فنی و مختصات و ویژگی های زبانی و بیانی و ادبی که با تسلط به علم عروض و قافیه و تصویرسازی و خواص موسیقایی و بسیاری از معیارهای مسلم و دقیق و لازم و ملزوم و واجب دیگر شعر که قابل قیاس نیست با شخصی که بدون آگاهی از معیارها ، کلامی آهنگین گفته است ؛ و یا گاهی اظهار می دارند که آنها هم با کمی دقت می توانند حتی اشعاری بهتر از ایشان بسرایند ، البته می توان گفت : بسیار هم خوب و مانعی هم نیست اما پر واضح و مسلم است که این کجا و آن کجا؟ ضمنا باید به یاد آورد که مهارت و هنر شاعری هم درست مثل بقیه مهارت هاست که بعضا" حتی با داشتن استعداد و نبوغ ویژه ای ، یک شبه و چندماهه و حتی گاهی چندساله هم حاصل نمی شود چه رسد به اینکه با چیدن منظم و آهنگین چندکلمه کنارهم آن هم اتفاق و بدون تسلط و آگاهی از مختصات واجب وزن و صور مختلف قافیه و صور خیال و علم دقیق عروض و واج آرایی تعداد واکه های بلند و کوتاه هر بند و بیت و مصرع و اصول اختیارات و موسیقی بیرونی و کناری و معنوی، و یا موسیقی درونی در شعر مدرن و تصویرسازی و انسجام و استحکام و فلسفه و نوآوری و بدیع سرایی و هنجارگریزی و آشنایی زدایی و غیره و غیره بتوان شعر سرود ، با این

تفاصيل می شود گفت ممکن نیست که با این وضع بتوان از محدوده کلام معمولی فراتر رفت ، که اگر چنین می بود بایستی اکنون میلیون ها نفر شاعر می بودند و شاعری توانا هم می بودند و بسیار درخور و در کمال شعر می سرودند اما به سادگی می بینیم که در عمل و واقعیت اینطور نیست و در حقیقت شمار بسیاری از سرایندگان هستند که حتی با داشتن علاقه مفرط و استعداد و نبوغ موفق نمی شوند بدرستی و در کمال شعر بگویند و شاخص شوند البته به عقیده بسیاری از اهل خبره و فن ، مطرح شدن و شاخص شدن امروزه به لطف وجود انواع رسانه ها و روابط گوناگون افراد بسیار ساده و راحت است ، (اما این مهم اندکی جای تأمل و بحث هم دارد که فعلا مورد نظر این می بحث نیست) ؛ شاید بتوان با آوردن مثالی موضوع شعر از ناشر را بهتر روشن نمود ؛ فرض شود از یک نقاش ماهر به همراه یک فرد ناشی تازه کار خواسته شود که منظره ای از ساحل یک رودخانه ای کوهستانی را که دهستانی نیز مشرف به خود دارد نقاشی کنند ! مسلم است نتیجه و تفاوت تا به کجا خواهد بود ؛ دقیقا در حوزه شعر هم نتیجه و تفاوت شاعر اصیل با فردی مبتدی همین گونه خواهد بود!

و اما نکته ای دیگر که بسیار هم قابل توجه و دقت و یادآوری است اینکه درحوزه دارایی های شعر کلاسیک فارسی بیشترین سهم، حجم و تعداد سروده های سرایندگان را "نظم" تشکیل می دهد که اصولا بیشتر آن ها از دایره شعر بودن خارج اند و صرفا "نظم" یا "منظوم" یعنی کلامی با نظم و انضباط و موزون محسوب می شوند و عناصر شعری و صورخیال انگیزی و تخیل شعری و معیارهای شاعرانه ندارند یا کمتر دارند در نتیجه شعر محسوب نشده و صرفا نظم هستند و کلام منظم و منظومند در چارچوب قواعد کلام موزون؛ خلاصه اینکه معلوم می شود که شعر مقوله ای بسیار پیچیده و ظریف و دقیق و فراتر از یک کلام معمولی است که عموما کلام معمولی را همه قادر به آفرینش آن هستند؛ و درجند شبه مصرع و شبه بیت خوش آهنگ منظم و تکرار چندقافیه خوش صدا خلاصه نمی شود و در واقع اجزا و ارکان و مصوت های کوتاه و بلند همین مصرع و بیت هم اصول و قواعدی حساب شده دارد و به صرف گفتن چند مصرع آهنگین نمی توان گفت شعری کامل سروده شده و سراینده اش هم لاجرم شاعراست؛ و یا عکس این موضوع نیز صادق است که شعر محسوب نداشتن اشعاری بسیار نغز و زیبایی در سبک مدرن به صرف نداشتن آهنگ منظم و منشور بودن ؛ در حالی که تمام شاخصه های اصولی و درست و مهم و زیبایی شعر را داراست، اعم از خیال انگیزی و عاطفه و احساسی قوی و نو آوری بدیعی و تصویرسازی و صورخیال و انسجام و استحکام و بلاغت و انتزاع و غیره.

همچنین در این کوتاه سخن قصد نداریم تعریفی جدید برای شعر ارائه دهیم بلکه همان تعاریف گوناگون داده شده توسط اهل فن این حوزه کافی جهت نیل به مقصود خواهد بود ، و خلاصه اینکه در دنیای هنر و ادب ، هستند

درصد بسیار اندکی از آدم ها که از حساسیت و نبوغ هنری بیشتری برخوردارند و خاصه در جرگه شاعران، بقول معروف طبع شعری قوی و گاه استثنایی دارند و "شعر را خود زندگی می دانند" یا داستان سرایان که بیرنگ داستان را خلق می کنند که یک دنیای ویژه و کنترل و هدایت و برنامه ریزی و مدیریت شده ای با تمام جزئیات در داستان خلق می شود و زندگی داستان شکل می گیرد و در جرگه هنرمندان نقاشی و بیکترتراشی و بطور کلی هنرهای این چنینی خلاقیت تجسم بخشی و آفرینشگری دارند و نمودار و شمایل اشیایی را از عالم خیال و ذهن به عالم ظهور و بروز آورده و حتی به اشیا جان و تحرک می بخشند مثل هنر عروسک سازی و در نتیجه عروسک گردانی و انیمیشن سازی و حتی روبات سازی و اشیاء روباتیک که امروزه در خدمت بشر هست و بدین وسیله موجبات توانگری ذهن و اندیشه خود و دیگران شده و ضمن فراهم ساختن لحظات مفرح برای خود و دیگران باعث ارتقاء آگاهی و دانایی عالم بشریت شده و نتیجه آن دوری از جهل و کشمکش ها و ایجاد همگرایی فرهنگ های گوناگون جوامع جهانی خواهد بود که سعدی شاعر کم نظیرمان بجا و خوش گفت: "بنی آدم اعضای یک پیکرند".

شاید به مقوله ای که ذکر آن رفت عده ای خرده بگیرند که موضوعی بی ارتباط با شعر است که به نقد و بررسی آن کماکان پرداختیم ، اما نویسنده این سطور که خود نیز دستی در آتش دارم و بشدت معتقدم که شعر هم یکی از اقسام هنر است و جدای از هنرهای دیگر نیست و تمامی هنرها از یک منبع سرچشمه می گیرند و به طرق و صور گوناگون مجسم می شوند و ظهور و بروز می یابند؛ منظور این مختص این نیست که موضوع مخاطب عام و خاص را ارزیابی و نقد و بررسی کند بلکه هدف اصلی چیستی هنر شعر است و کیستی شخص شاعر، در واقع می خواهیم بدانیم شعر چیست و شاعر چه کسی است؟ که به نظر فقط در این صورت است که می توان تا حدودی شعر را شناخت و بیش از پیش می توان از آن بهره مند شد و لذت برد و نیز رسالت شاعر و شعر را تا حدودی درک کرد که مطمئنا تاثیر شگرفی در مسیر زندگی افراد خواهد گذاشت و شاید هم بتوان نائل به این معنا شد که واقعا شعر چگونه زیستنی می تواند ارائه کند و خود زندگی باشد؟ ، بنابر این بطور خلاصه بفرموده اهل فن تعریف جامع و کامل و مانع و قاطعی برای مقوله شعر نمی توان آورد و لاجرم مختصاتی کلی از شعر یادآوری می شود و بر این مبنا شعر در تعریف کلاسیک کلامی است منظوم (یعنی چینش و آهنگ و نظمی ویژه دارد) ، موزون و آهنگین (یعنی دارای ریتم و آهنگی است که از تکرار منظم مصوت های کوتاه و بلند در فواصل خاص و منظم ، همچنین از تکرار قوافی در مصرع ها و ابیات و گاه به همراه تکرار ردیف بدست می آید) و مقفا (یعنی دارای قافیه هست در قسمتی از یک واحد شعری که بطور مثال و عموما یک مصرع می باشد حرف یا حروفی تکراری و گاه قوافی صوتی "هم وزن" هم آورده می شود) در یک قالب شعری مخصوص (قالب شعری مثل

قالب غزل، مثنوی، چارپاره، قصیده، دو بیت، رباعی و غیره که از یک وزن مخصوص برخوردار است، تشکیل می شود و در هر مصرع یک شعر، همان وزن مصرع اول دقیقا جزء به جزء تکرار می شود که محتوا در قالب های شناخته شده آن که دارای اوزان و موسیقی و ریتم مشخص است قرار می گیرد؛ و اما براساس تعاریف از دیدگاه جدید، شعر مدرن بسیار متفاوت تر از تعریف کلاسیک تعریف می شود یعنی شعر مدرن لزوما قافیه و نظم و آهنگ ریتمیک و قالب مخصوص به شکل کلاسیک ندارد و لزوما موزون هم نیست اما، هر شعری در سبک مدرن هم دارای آهنگ ملایم و درونی مخصوص به خود هست که به نوعی از چینش واژگان و واج آرایی و گاه تکرار و غیره بدست می آید و از این منظر شعر کلامی است خیال انگیز که با عاطفه و احساس و دیگر عناصر شعر و زبان و بیان ترکیب شده و مفاهیم و محتوای منسجمی به وجود آورده باشد و مهمترین و بزرگترین شاخصه شعری شعر مدرن مخصوصا شعر سپید تخیل شعری قوی و صور خیال است که آن را از نثر معمولی متمایزتری سازد، عاطفه، احساس، استحکام، انسجام، موجز بودن و شروع جرقه وار و ناگهانی و استارت قوی، آهنگ درونی و تصویرسازی قوی، تناظر، تناقض و پارادوکس، هنجارگریزی، آشنایی زدایی، تکرار، اطناب، پایان ناگهانی، بازی زبانی مخصوص و گسترده، بیان ادبی ویژه، استفاده از زبان ادبی، زبان عامیانه و حتی استفاده از زبان فولک و محلی، استفاده از زبان کهن و آرکانیک، جابجایی ارکان شعری که در شعر موزون کلاسیک ممکن نیست بخاطر مراعات مختصات وزن.

همچنین یکی از لطف های بزرگ شعر مدرن و سپید این است که مخاطب با شاعر مدرن سرا احساس غربت و غریبی نمی کند بلکه احساس قرابت می کند چون شاعر نزدیک به او و شبیه به زبان و بیان او سخن می گوید بدور از الزامات اضافی و دست و پاگیر و نیز فروتن هست، بر عکس شاعر شعر کلاسیک، که شخصیتی جداگانه و متفاوت تر از مخاطب دارد شاید بخاطر مارش گونگی ریتم و آهنگ شعرش باشد و به نوعی می شود گفت دست نایافتنی می نماید، شاعر کلاسیک انگاری با آهنگ و ریتم شعرش بین مخاطب و خودش فاصله می گذارد و ناگزیر مخاطب مرز و حائل را میان خود و شاعر احساس می کند.

بدینسان مختصری از تعریف شعر کلاسیک سخن رفت و کمی هم به ویژگی های شعر مدرن پرداخته شد؛ حال باید دید شاعر کیست یا بهتر است بگوییم شاعر اصیل کیست؟ در حوزه کلاسیک و قدیم شاعر کسی است که اولاً: متخصص بی چون چرا در علم عروض و قافیه باشد زیرا که بدون دانستن عروض و قافیه بدون شک حتی نمی توان یک مصرع شعر صحیح کلاسیک گفت چه رسد به اینکه بتوان اشعار مختلفی سرود، که واقعا و انصافا هم علم و مهارت دشواری است؛ دوما: در بکارگیری دستورات قواعد زبان و عروض و قافیه و آرایه های ادبی در قالب شعری متناسب ماهر باشد؛